

این متن را که در ایران تهیه و پخش شده و به دست ما رسیده روی سایت می گذاریم. متن، به رغم برخی کاستی ها و آمارهای تاریخی غیر دقیق و مبالغه آمیز، خواندنی ست و ارزشمند.

انتشارات اندیشه و پیکار

## تاریخچه ۸ مارس

در هشتم مارس ۱۹۰۶ زنان کارگر نیویورک و شیکاگو به برگزاری تظاهرات آرامی دست زدند، اما با برخورد شدید پلیس مواجه شدند. این زنان، عمدتاً از کارگران کارخانجات نساجی و همچنین زنان جنگزده بودند که پس از پایان کار در سالنی اجتماع کردند. حمله پلیس بسیار خشونت آمیز بود و تعداد زیادی از زنان کشته، زخمی و دستگیر شدند، همچنین گروه زیادی هم از کار اخراج گشتند. سال بعد از آن، در سالگرد حمله پلیس نیویورک به زنان، تظاهرات وسیعی در نیویورک انجام شد که طی آن زنان کارگر ضمن یادبود آن روز، به زیادی ساعات کار، بهره کشی از کودکان و نبودن حق رای برای زنان اعتراض کردند. تظاهرات ۱۹۰۷ نیز سرکوب گردید. اما حرکت‌های مانند آن در سالهای بعد ادامه داشت و از مرزهای آمریکا به اروپا رسید.

در سال ۱۹۱۰ «کلارا زتکین» از زنان مبارز، آزادیخواه و برابریخواه آلمانی، در کنگره بین الملل زنان پیشنهاد داد تا هر سال روز ۸ مارس به نام «روز جهانی زن» نامیده شود. این پیشنهاد یک سال در محافل مختلف مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام به تصویب همه گروهها و کشورها رسید. و از سال ۱۹۱۱ رسماً ۸ مارس «روز جهانی زن» لقب گرفت. نخستین مراسم ۸ مارس در اروپا، آمریکا و روسیه توسط زنان در محیطهای کار و سالنهای عمومی و حتی در منازل برگزار شد. همساله مراسمی در سراسر دنیا چه بطور علنی یا غیر علنی برگزار میشود. این یادبود بهیژه از دهه ۱۹۶۰ که موج دوم جنبش زنان جریان داشت، با شور بیشتری برگزار گردید. همچنین در سال ۱۹۷۷، سازمان ملل متحد، ۸ مارس را روز جهانی زن نام گذاری کرد.

در ایران بنا به نوشته روزنامه «شرق قادینی» چاپ باکو، نخستین بار جشن بین المللی زنان (۸مارس) در سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ میلادی) به همت حدود ۵۰ زن در انزلی برگزار شد. همچنین در سال ۱۳۰۱ «انجمن پیک سعادت نسوان» که از گروههای اجتماعی بودند، مراسمی به مناسبت روز جهانی زن در بندر انزلی برگزار کردند. در سال ۱۳۰۶ نیز «سازمان بیداری زنان» با اجرای نمایشنامه‌های به نام دختر قربانی به کارگردانی «میرزاده عشقی» ۸مارس را جشن گرفتند. تا سال ۱۳۵۷ این مراسم هر ساله بهصورت محفلی و مخفی برگزار میشد. زیرا شرایط سیاسی حاکم بر جامعه و خفقانی که در آن سالها بر جامعه حاکم بود اجازه برگزاری این مراسم را بصورت عمومی و در فضای باز نمیداد. هشتم مارس ۱۳۵۷ اولین گرامیداشت روز جهانی زن در ایران بود که تقریباً پس از گذشت ۵۰ سال برگزار میشد و میباید از آن به عنوان نقطه عطفی در حوادث انقلاب ۵۷ یاد کرد. زنان معترض در خیابانهای شمال تهران تظاهرات کردند و این درحالی بود که دانشجویان دانشگاهها و دانشآموزان دبیرستانها، آموزگاران و زنان کارمند ادارات دولتی و غیردولتی، از همجا بسوی دانشگاه تهران که برای برگزاری مراسم اعلام شده بود راهپیمایی کردند. زنان ابتدا در سالن دانشکده فنی جمع شدند اما بعد از آن در اقدام خودانگیخته سالن دانشکده را ترک گفتند و به خیابانها ریختند. با اینکه برف سنگینی میبارید، مراسم برگزار شد.

بعد از سال ۵۷، مجدداً شرایط برگزاری مراسم ۸ مارس محدود شد و زنان فقط در خانههای خود روز زن را جشن گرفتند. اما از سال ۷۸ گروهی از فعالین مسائل زنان موفق شدند مراسمی در سالن شهر کتاب مرکزی تهران برگزار کنند. از آن سال تاکنون، جشن ۸ مارس همه ساله برگزار شده است، و به غیر از تهران در شهرهای دیگر نیز گسترش یافته است.

## تاریخچه ی مبارزاتی زنان ایران

جنبشهای یکصدسال گذشته، اعم از اجتماعی، سیاسی و ... جنبشهایی تکجنسیتی نبوده اند. به عبارتی فقط مردان پرچمدار و رهبر نبوده‌اند. بلکه در تمامی جنبشها، زنان دوشادوش مردان و گاهی پیشتر از هم بوده‌اند. برای بررسی بیشتر در تاریخ معاصر به نقش مؤثر زنان در جنبشها میپردازیم:

- در سال ۱۲۷۴ زنان تظاهرات گسترده‌ای علیه گرانی نان و گوشت به راه انداختند، در همان سال بود که شورش زنان هشت کشته بر جای گذاشت

- در جنبش تنباکو وقتی ناصرالدین شاه، میرزا حسن آشتیانی را مجبور به کشیدن قلیان در ملاء عام میکند و او نمیپذیرد و تبعید میشود، زنان به سمت خانگی او میروند و در بین راه مغازه‌ها را وادار به تعطیل میکنند. در این اعتراض شاه دستور تیراندازی میدهد و تعداد زیادی از زنان کشته میشوند. دامنه‌ی این جنبش به حرمسرای شاه کشیده میشود و زنان قلیانها را میشکنند.

- در سال ۱۲۷۵ در حالی که مردم در فقر و گرسنگی به سر میبردند حاکم ظالم آذربایجان آذوقه‌ی مردم را در انبارهای خود جمع کرده زنی به نام زینت پاشا گروهی از زنان را مسلح کرد و به انبار غله‌ی والی آذربایجان حمله برد و انبارها را گشود و آذوقه را در میان مردم توزیع کرد.

- زمانیکه نفوذ روسیه و انگلیس در دربار رو به افزایش بود زنان همراه مردان در اعتراض به نفوذ اجانب، مدت پنج روز به سفارت روسیه حمله بردند و آنجا را تخریب کردند.

- در غائله‌ی گرانی نان زنان تهرانی به خیابانها آمدند و چنان شورشی بر پا کردند که ناصرالدینشاه مجبور شد حکم دار زدن کلانتر وقت را صادر کند.

- در دوران مشروطه زنان تهرانی در اعتراض به سیاستهای انگلیس راه را بر شاه بستند، تهدید کردند اگر شاه روش خود را عوض نکند، آنها میلیونها ایرانی را علیه شاه جمع میکنند. زنان اصفهانی هم در این حرکت زنان تهرانی را حمایت کردند. این پشتیبانی زنان موجب شد که شاه وزیر خود را عزل و تصمیم مجلس مؤسسان را بپذیرد. باز این زنان بودند که مقاومت شاه را در هم شکستند و با همراهی مردان برای عدالتخواهی به پا خواستند. دختر ناصرالدین شاه به جنبش مشروطه پیوست و جزء مخالفان شاه شد. باز زنان بودند که به خاطر آگاه شدن و باسواد شدن با تلاش و مبارزه به ساختن مدارس پرداختند.

- زنی به نام خورشید خانم برای مقابله با لباسهای خارجی در سال ۱۲۹۹ امتیاز انحصاری لباسهای زردوزی را به مدت ۵ سال از امیرکبیر کسب کرد. زمانی که به دنبال مقاومت محمدعلی شاه در برابر مشروطه جنگ داخلی با مردم آذربایجان شروع شد زنان به حمایت از مردان وارد میدان شدند. و زنان اصفهان طلاهای خود را برای کمک به مردم آذربایجان فروختند.

- زنان با راه انداختن نشریات زنان برای ارتقای سطح آگاهی خود تلاش کردند و در بدترین شرایط خفقان حاکم اولینبار در سال ۱۳۰۰ جشن ۸ مارس را برگزار کردند.

- در جریان مشروطه به رهبری ستارخان تعداد زیادی از زنان مسلح، جنگیدند و کشته شدند

- در مجلس دوم که مجلسی بسیار ضعیف بود دولت، مورگان شوستر را برای امور دارایی استخدام کرد. روسیه با این انتخاب که نشان دهنده‌ی نفوذ آمریکا بود مخالفت کرد و به مجلس دستور داد تا او را اخراج کند در این رابطه ۳۰۰ تن از زنان تهرانی که عده‌ای مسلح بودند وارد مجلس شدند و تهدید کردند که اگر نمایندگان تسلیم خواست روسیه شوند، آنها را خواهند کشت از طرف دیگر، هزاران زن در اعتراض علیه اولتیماتوم روسیه به خیابانها آمدند.

- به رغم تمام تلاشهای زنان در دوره‌ی مشروطه حق آزادی زنان و حق رأی آنان با مخالفت‌های شدید تعدادی از نمایندگان مجلس مواجه شد. در همان زمان زنی در نشریه حبلالمتین از پایمال شدن حقوق زنان مینویسد: زنان، در انقلاب شرکت نکردند! که بعدها شاهد لگدمال شدن حقوق خودشان باشند.

- کشف حجاب زمزمه‌هاش در زمان صدارت امیر کبیر شروع شد که پیش‌تاز آن زنی به نام طاهره قره‌العین بود که به دستور شاه به بهانه‌ی ترویج بابی‌گری کشته شد. و در زمان رضا شاه کشف حجاب اتفاق افتاد.

- در دوره‌ی رضاخان یکی از زنان روزنامه‌نگار به نام شهناز آزاد به دلیل انتقاد از رضاشاه دستگیر و به زندان افتاد.

- در جریان نهضت ملی هزاران زن پرچم به دست به خیابانها آمدند و تعدادی از آنها در درگیریها کشته شدند.

- در زمان زمامداری محمدرضا پهلوی زنان بیشماری در مخالفت با ظلمها و ستمهایی که بر مردم میشد کشته و اعدام شدند و یا به زندان افتادند. و بسیاری از زنان در بیرون از زندان راه آنان را در پیش گرفته و دست از مبارزه نکشیدند.

- در انقلاب ۱۳۵۷ بود که شجاعت‌های زنان در مقابل رژیم پهلوی تبلور پیدا کرد و زنان به طور گسترده به عنوان نیروی فعال سیاسی حرکتی بیسابقه از خود به نمایش گذاشتند. اینک پس از گذشت ۲۷ سال از انقلاب هنوز زنان در جایگاهی که حق مسلمشان است قرار نگرفته و با تنگنظریها این جایگاه هرروز تنگتر و تنگتر میشود.

### منشور جهانی حقوق بشر "زنان"

در سال ۱۹۹۵، در حاشیه کنفرانس جهانی زنان در چین گروهی از زنان برای اعتراض به روند افزایش فقر و جنگ و خشونت (به‌ویژه علیه زنان) و تلاش در جهت ساختن جهانی دیگر، شبکه‌یی را با نام حرکت جهانی زنان (WMW) پایه‌گذاری کردند. در کمتر از ده سالی که از شکلگیری این حرکت می‌گذرد بیش از ۶۰۰۰ گروه زنان از حدود ۱۷۰ کشور و منطقه در سراسر جهان به این شبکه پیوسته‌اند. اساسنامه شبکه با مشارکت تمامی گروه‌ها در پایان سال ۲۰۰۴ تکمیل و با عنوان منشور جهانی زنان برای حقوق بشر منتشر شد. سال گذشته نمایندگان شبکه (WMW) برای معرفی منشور سفری به دور دنیا ترتیب دادند که از ۱۸ اسفند (۸ مارس، روز جهانی زن) در برزیل آغاز شد و ۲۵ مهر (روز جهانی مبارزه با فقر) در بورکینافاسوی آفریقا پایان یافت. از این گذشته در طول مسیر با گردآوری تکه‌پارچه‌های کاردستی زنان کشورهای مختلف، چهل‌تکه‌یی به‌نشانه‌ی همبستگی زنان با اصول منشور فراهم آمد که در میدانی در پایتخت بورکینافاسو به یادگار گذاشته شد. این میدان هم اکنون میدان صلح زنان نامیده میشود.

گروه‌های فعال ایرانی که با حرکت جهانی زنان همراه شده‌بودند بر آن شدند که قطعه‌یی با نام زنان ایران به چهل‌تکه همبستگی جهانی بیافزایند. این هدف ما را ناگزیر به شتابزدگی وامی‌داشت چون باید در یکی از کشورهای همسایه که ایستگاه کاروان منشور بود به آن متصل می‌شدیم و برای این کار وقت زیادی نداشتیم. قرار بر این شد که گروه‌ها موضوع تهیه چهل‌تکه و مفاد منشور را در جمع‌های گسترده‌تر منتشر کنند تا هر کس مایل بود رویای خود را در قالب یک تکه پارچه نیم‌متری تصویر کند. در مدت کوتاهی که بسته و گریخته و با بضاعت درخور اوضاع و احوال ما، منشور حقوق بشر "زنان" این سو و آن سو خوانده شد و بر دلها نشست دست‌های زنان به کار افتاد و حاصل آن بیش از چهل و هفت تکه شد. نه تنها از شهر یا استان تهران بلکه از شهرهای فارس، آذربایجان، کردستان، گیلان، قزوین... با توجه به زمان کمی که تا عبور کاروان از همسایگی ما باقی مانده بود تهیه شد. کمیته‌ی هماهنگی شکل گرفت و به‌سرعت دست به کار شد. عصر روز

۱۳ تیرماه در سالن پاتوق فرهنگی تهران نمایشگاهی از تکهها با عنوان "جهان دیگری ممکن است، ما آن را خواهیم ساخت!" بر پا کردیم، قطعات برتر را با آرای بازدیدکنندگان برگزیدیم و کمی بعد به مدد مسافرانی که قبول زحمت کردند به هندوستان فرستادیم. و سرانجام یکی از این قطعات در یکی از روزهای مرداد ماه در هندوستان به چهل-تکه همبستگی دوخته شد تا زنان در سراسر جهان بدانند که در ایران نیز زنان خواهان صلح، عدالت، همبستگی، آزادی و برابری-اند و در مبارزه با فقر و خشونت علیه زنان از پای نمی-نشینند.

پس از دوختن چهل تکه ی ایران، همراه با شبکه، در روز جهانی مبارزه با فقر (۲۵ مهر)، با حرکت نمادین، در مقابل سینما بهمن تجمع آرام برگزار شد، که در این تجمع با توزیع بروشور بین رهگذران و جمع آوری امضاء برای لغو قراردادهای استخدام موقت کار، زنان همبستگی خود را با حرکت WMW اعلام کردند. به دنبال این حرکت، ۴ مراسم نیز با گروههای هوادار این حرکت بر پا شد که روز جهانی محو خشونت علیه زنان، روز جهانی ایدز و روز جهانی حقوق بشر بود، که همراه با تجمع و گردهمایی زنان و توزیع بروشور برای اطلاع رسانی در چند نقطه از تهران و نیز شهرستانها برگزار شد.

منشور جهانی زنان سند عشق به زندگی و ستایش زیبایی جهان است

## برابری

همة انسانها با هم برابرند. ما تبعیض بر مبنای جنس، رنگ، نژاد، قومیت، ملیت، طبقه اجتماعی، شیوة زندگی، گرایش جنسی، محل سکونت، زبان، سن یا معلولیت را محکوم میکنیم.

آداب و رسوم و دین و مذهب و ایدئولوژی دلیل موجهی برای تحقیر افراد نیست و نمی-توان به اعتبار آن-ها منزلت انسانی یا شرافت افراد را پایمال کرد. هیچ گروه یا کشوری نمیتواند ادعای برتری بر دیگران را داشته باشد و مانع دسترسی دیگران به منابع، داراییها، فرصت-های شغلی یا دادخواهی شود.

ما میخواهیم دنیایی بسازیم...که در آن زنان انسان و شهروند کامل باشند نه فقط مونس و همسر و مادر و خدمتکار.

دنیایی که در آن تمامی وظایف انسانی که اغلب به صورت رایگان انجام می-شوند (خانهداری، نگهداری از کودکان و سالمندان و خویشاوندان بیمار،...) به تساوی میان زنان و مردان تقسیم شود.

دنیایی که در آن زنان و مردان برای کار مساوی دستمزدی مساوی بگیرند و صرفنظر از نوع کار (مزدی یا غیرمزدی، استخدام یا خوداشتغالی) حقوق و مزایای یکسان داشته باشند و تبعیض علیه زنان در محیطهای کاری خاتمه یابد.

دنیایی که در آن دختران و پسران یاد بگیرند به جنس مخالف خود احترام بگذارند و از خشونت و تعصبورزی دوری کنند.

دنیایی که در آن دولتها برابری اقوام و اقلیتهایی را که در سرزمین آنها به سر میبرند تضمین کنند.

## آزادی

تمامی انسانها آزادند. هیچ فردی مایملک فرد دیگری نیست.

ما میخواهیم دنیایی بسازیم.....که در آن انسانها قربانی بردگی و تجارت جنسی یا استثمار جنسی نباشند.

دنیایی که در آن زنان اختیار بدن خود را داشته باشند، خود برای بچهدار شدن یا نشدن تصمیم

بگیرند. نگهداری و تربیت فرزندان مسئولیت مشترک پدر، مادر و جامعه باشد. زنان حق داشته باشند "نه" بگویند و زیر بار معیارهای اجتماعی و فرهنگی که زنان را زیبا و تسلیم و خاموش می‌خواهد نروند.

دنیایی که در آن زنان و مردان بتوانند در مورد محل سکونت، تحصیل، تفریح، پوشش، وسیله نقلیه، زبانی که دوست دارند به آن سخن بگویند، مطالبی که می‌خواهند بخوانند، برای انتخاب دوستان و فعالیتهای اجتماعی خود در امنیت کامل تصمیم بگیرند.

## همبستگی

همبستگی به معنای برقراری تعادل میان منافع فردی و جمعی، دستشستن از امتیازها و مقدم دانستن منافع جمعی بر منافع به شدت فردی است.

ما می‌خواهیم دنیایی بسازیم... که در آن منابع و ثروتها منصفانه میان مردمان و کشورها تقسیم شده، فقر از میان رفته باشد، و همگان به فرصتهای شغلی برای رفع نیازهای اساسی زندگی، مسکن، تغذیه مناسب، سوخت، خدمات بهداشتی، وسایل حمل و نقل، اطلاعات، تحصیل، دادخواهی، فعالیتهای ورزشی و تفریحی دسترسی داشته باشند.

دنیایی که در آن منابع طبیعی میراث مشترک انسانها به شمار آید و از آن برای نیازهای واقعی و نسلهای آینده محافظت شود.

## عدالت

عدالت یعنی به رسمیت شناختن و تضمین حقوق قانونی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همه افراد و برقراری تعادل میان حقوق فرد و حقوق جامعه.

ما می‌خواهیم دنیایی بسازیم... که در آن گروهی اندک نتوانند کالاها و دانشی را که متعلق به جمع است در انحصار خود بگیرند. ابزار واقعی برای مبارزه با فساد وجود داشته باشد. شرافت افراد محترم باشد. حکم اعدام منسوخ، و شکنجه و رفتار اهانتبار و تحقیرآمیز ممنوع شده باشد. و هر گونه خشونت به خصوص علیه زنان در برابر قانون جرم به حساب آید.

## صلح

صلح به افراد امکان میدهد که در جامعه و در چارچوبی خصوصی خود (به دور از سلطه فرد یا گروهی دیگر، به دور از سلطه اقلیت بر اکثریت یا سلطه ملتی بر ملت دیگر) در امنیت و به دور از خشونت زندگی کنند.

ما می‌خواهیم دنیایی بسازیم... که در آن منزلت بدن فرد و شرافت اخلاقی او محترم شمرده شود. بردگی و تجارت جنسی انسانها از میان برود و متجاوزان به حقوق فرد و جامعه به هیچ نحوی از مجازات معاف نشوند.

دنیایی که در آن بودجه صنایع نظامی صرف آموزش و بهداشت و ایجاد کار شود و برای حل مناقشات از روشهای صلحآمیز استفاده کنند.

دنیایی که در آن برنامه‌هایی برای آموزش صلح و مدارا و عدم خشونت وجود داشته باشد تا فرهنگی صلحطلب به وجود آید که از بروز مناقشات پیشگیری کند و مانع از انتشار تصاویر تحقیرآمیز از زنان (در

کتابهای درسی، روزنامه‌ها و مجلات، برنامه‌های تلویزیونی، فیلمهای سینمایی، سایتها،... شود.

## فقر

دیدگاه مدافع زنان مبتنی بر این است که نابرابری جنسیتی و جامعه‌ی طبقاتی از علل اصلی فقر زنان است. در جهانی زندگی میکنیم که خصلتی عمیقاً مردانه دارد. در سطح کلان، تولید اجتماعی مبتنی بر نظامی است که طی آن مردان به دلیل تحت نظارت داشتن منابع ضروری تولید اجتماعی در نقش مسلط عمل میکنند و منافع این تولید را نیز به خود اختصاص میدهند.

فرآیند زنانه شدن فقر به تدریج مسئله‌های جهانی شده و در بسیاری از کشورها مکانیسمها و شاخصهای معینی برای محاسبه و پیش بینی روندها و همچنین مقابله با آن اندیشیده شده است. در ایران، مطالعات چندانی در این زمینه به عمل نیامده است. در گزارشهای مربوط به فقر که واحد بررسی آنها خانوار است فهم وضعیت واقعی زنان با مشکلات زیادی مواجه است و غالباً پنهان میماند. مطالعات مربوط به سلامت، آموزش و اشتغال تا حدودی دسترسی و کنترل محدودتر زنان را بر این منابع که منشأ فقر زنان است، نشان میدهد.

فقر زنان را باید در بستر موقعیت حاشیهای آنان در بازار کار و در اتکابی که فرض میشود باید به حمایت مالی مردان داشته باشند دید. موقعیت زنان در بازار کار به صورتی است که کمتر از مردان میتوانند به درآمد لازم برای تامین معاش دست یابند و در مشاغل کم درآمد متمرکز میشوند. همین تصور وابستگی زنان به مردان است که از دیر باز برای توجیه دستمزدهای بالاتر برای مردان به کار رفته و در مقررات رفاه اجتماعی نیز بازتاب یافته است. محرومیت‌های زنان در بازار کار در فقر آنها نیز نقش دارد زنی که سرپرستی فرزندان را به تنهایی برعهده دارد حتی وقتی فکر کند که میتواند شغلی داشته باشد ممکن است به این نتیجه برسد که این کار صرفه اقتصادی ندارد.

مشاغل کم درآمدی که در دسترس است با توجه به هزینه‌های کار و مهد کودک، بسیاری از مادران مجرد را به این نتیجه میرساند که در صورت اشتغال به درآمدی بیش از مستمری دولتی (اگر موجود باشد) دست نخواهد یافت.

بر اساس داده‌های موجود در ایران زنان سرپرست خانوار بخش زیادی از فقرای کل کشور را تشکیل میدهند. تفکیک سهم زنان و مردان سرپرست خانوار به شهری و روستایی نیز نشان میدهد که در شهرها حدود ۶/۸ درصد و در روستاها حدود ۷/۱۲ درصد از کل خانوارهای فقیر، سرپرست زن داشته‌اند.

بر اساس آمارهای رسمی، زنان، سرپرستی ۴/۹ درصد از خانوارهای ایران را به عهده دارند که با توجه به احتمال کم شماری، زنان سرپرست خانوار در این آمارها کمتر از رقم واقعی است. به خاطر فشار فقر ۵/۲۲ درصد از کل زنان سرپرست خانوار شاغل اند که بیش از سهم کل اشتغال زنان است. ناکافی بودن مستمری زنان سرپرست خانوار اغلب باعث شده که آنها در بخش خصوصی و غیررسمی اشتغال داشته باشند که مورد بی عدالتیهای مضاعفی قرار میگیرند. اغلب این زنان سرپرست در خانوارهای شهری به مشاغل خدماتی مشغولند، در حالی که در نقاط روستایی این زنان اغلب در رده کارکنان ساده کشاورزی قرار میگیرند.

در کل ۶۷ درصد از هزینه‌های خانوارهای زن سرپرست به هزینه‌های خوراکی و مسکن تعلق دارد. این رقم برای مردان سرپرست خانوار ۲۵ درصد است. به این ترتیب، سهم هزینه کالاهایی چون پوشاک، بهداشت و درمان در میان خانوارهای زن سرپرست بسیار کمتر از خانوارهای با سرپرستی مردان است.

نتایج پژوهشهایی که در زمینه فقر مطلق و نسبی در یک دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ انجام شده نشان میدهد، همواره سهم فقر زنان سرپرست خانوار بیشتر از مردان سرپرست خانوار میباشد و زن بودن

سرپرست خانوار احتمال قرار گرفتن در دایره فقر را افزایش میدهد.

تحقیقات در این زمینه براهمیت گسترش فعالیتهای سوادآموزی برای زنان (بویژه توام کردن این آموزشها با مهارتهای زندگی و شغلی) در مناطق شهری و روستایی تاکید دارد. در سال ۱۳۸۰ حدود ۱۹ درصد از خانوادهایی که سرپرست زن بی سواد داشتند در زمره فقیران قرار گرفتهاند در حالیکه تنها ۱۴ درصد از زنان باسواد سرپرست خانوار در زیر خط فقر هستند.

بر اساس دادههای جهانی، یکی دیگر از گروههای فقیر زنان، زنان سالمند هستند. گسترش خانوار هستهای و تغییر در ارتباطات میان نسلی در هنگامی که نیاز سالمندان به کمک افراد غیرسالمند خانواده بیشتر میشود، وضع مراقبت از سالمندان را وخیم میکند. فرض براین است که مردان امکان بهره وری از درآمد بازنشستگی را برای دوران سالمندی خود و همسران فراهم میسازند. بازتاب این فرض را در قوانین بازنشستگی میتوان دید و تغییراتی که در سالهای اخیر در مقررات تامین اجتماعی انجام شده بهبودی اساسی در موقعیت زنان پدید نیاورده است.

دستمزدهای پایین، وقفه در اشتغال و تمایل به کارهای نیمه وقت در دورههایی از زندگی، بر شرایط بازنشستگی زنان در دوران از کار افتادگی نیز بی تاثیر نیست.

درصد فقر در میان گروههای سنی ۲۵ سال و کمتر و همچنین ۵۶ سال و بیشتر همواره بیش از سایر گروههای سنی بوده و نسبت زنان در این دو گروه سنی بیش از مردان است.

کمکها و حمایتهای دولتی در مورد گروههای مذکور غالباً یا دیده نشده یا به حدی نیستند که فرد را از آستانه فقر بالا بکشد.

دلایل دیگری نیز باعث شده زنان بیش از مردان در معرض فقر قرار گیرند از جمله وابستگی به یک مرد حقوق بگیر در شرایطی که حقوق مرد در مرز فقر باشد یا امکانات را به گونهای منصفانه در خانوار تقسیم نکند و یا شرایطی که زنان ناچار از پرستاری رایگان از خویشاوندان بیمار معلول یا سالمند هستند.

سرانجام اینکه تکلیف مراقبت از کودکان و سالمندان و وابستگان دیگر بیش از همه بردوش زنان سنگینی میکند حتی اگر انجام این تکلیف آنان را در معرض خطر فقر دهد. مشکل اصلی بسیاری از زنان متاهل که مراقبت از فرزندان یا وابستگان دیگر را به عهده دارند رویارویی با فقر است.

از این گذشته زنان اند که باید جلوی هوسهای کودکان را در زمینه خوراک و لباس و گردش و بازی و غیره که به نظر، بسیاری از آنها خواستههایی کاملاً طبیعی است بگیرند و مدام به آنها نه بگویند. علاوه بر این زنان باید با فشارها، کمبود امکانات پیشرفت و احساس عدم امنیت ناشی از فقر نیز دست و پنجه نرم کنند. فقر به جسم و روح زنان صدمه میزند به ویژه اگر رژیم غذایی درستی نداشته باشند چون همیشه نیازهای دیگر اعضای خانواده را بر نیازهای خود ترجیح دهند.

از مارس تا مارس :

اخبار مربوط به زنان در یکسال به نقل از رسانه ها:

بر اساس گزارش کارشناس آسیب دیدگان سازمان بهزیستی: فرار دختران از منزل سالانه ۱۵ درصد افزایش داشته است

در ایران روزانه ۵۰ تا ۶۰ دختر توسط نیروی انتظامی دستگیرمی شوند که علت دستگیری آنها ولگردی در خیابان و فرار از خانه است.

مجله‌ی حقوق زنان شماره‌ی ۲۶: کف سن فحشا در ایران ۱۳ سال گزارش شده است  
 آخرین گزارش‌های یکی از سازما نه‌ای بین المللی نشان میدهد:  
 خرید و فروش زنان و دختران سالانه هشت میلیارد دلار برای باندهای مافیایی درآمد دارد.  
 قاچاق زنان پس از قاچاق اسلحه و مواد مخدر سومین قاچاق پر درآمد دنیا محسوب میشود.  
 ۲۰ تا ۳۰ هزار زن برای تامین معاش خود و فرزندانشان تسلیم تن فروشی میشوند.  
 ۸۰ درصد زنان خیابانی به علت فقر اقتصادی پای در راه فحشا میگذارند.  
 هر شب ۴۰۰۰ دختر در خیابانهای پایتخت شب را به صبح میرسانند که بسیاری از آنان مورد خشونت و آزار جنسی قرار میگیرند.  
 سرکرده‌ی باند متجاوز به ۲۰ زن تهرانی اعلام کرد که هدف من پاکسازی جامعه بود.  
 طی دوهفته سه زن خانه دار تهرانی توسط جانی ناشناس کشته شدند. (اعتماد ۱۰۲۱)  
 اختلافات خانوادگی منجر به خودسوزی زن جوانی شد. (شرق ۶۵۷)  
 مردی همسرش را با ۳۶ ضربه چاقو به قتل رساند. (همشهری ۳۸۷۸)  
 قتل دختری به دست پدرش در فارس (شرق ۶۵۳)  
 مرگ دختری در بیمارستان به دلیل تجاوز (۶۴۲)  
 محاکمهی مردی به اتهام حلق آویز کردن همسرش (شرق ۶۳۶)  
 دستگیری سه پسر جوان به اتهام تجاوز به دختر ۱۴ ساله (شرق ۶۳۱)  
 دستگیری پنج پسر جوان به اتهام تجاوز به عنف (شرق ۶۱۳)

#### اخبار برگزاری جشنهای ۸ مارس «روز جهانی زن» :

زنان فعال ایرانی امسال هم، همچون شش سال گذشته در نظر دارند مراسم «روز جهانی زن»  
 ۸ مارس را در محیط بیرون از خانه برگزار کنند. در نود و ششمین سالگرد ۸ مارس «روز جهانی زن»  
 و هفتمین سالگرد پیدری این مراسم در ایران، گروهی از زنان به نام هواداران حرکت جهانی زنان «WMW» بنا  
 دارند با همکاری چند تشکل زنان این مراسم را مفصلتر برگزار کنند، این مراسم در حالی برگزار میشود که  
 شاهد بی عدالتی و نابرابری هرچه بیشتر در حق زنان با اعمال طرحها و برنامههای جهانیسازی از قبیل تعدیل  
 نیروی انسانی و بیکاری و اخراج زنان، به کارگیری آنها به صورت استخدام قرارداد موقت یا پیمانکاری از یک  
 طرف، و از طرف دیگر با مشکلات پیش آمده برای زنان و کودکان و خانوادگی کارگران شرکت واحد تهران و  
 حومه هستند.

بنا به اخبار رسیده قرار است جشن ۸ مارس امسال نه تنها در تهران و در دانشگاهها بلکه در اکثر  
 شهرها از جمله تبریز، رشت، ارومیه، کرج، اوز، ساری، شیراز، اصفهان، ورامین و برای اولین بار در بوکان و  
 مهاباد، با برپایی نمایشگاه کتاب، عکس و نقاشی همراه با نمایش فیلمهای مستند برگزار شود.  
 ۸ مارس در خارج از کشور که توسط زنان ایرانی برگزار میشود در کشورهای آلمان، سوئد، فرانسه،  
 نروژ با راهپیمایی گسترده برای حذف حقوق نابرابر زنان به مدت ۴ روز برگزار خواهد شد.

## خودکشی و خودسوزی زنان و دختران در کردستان :

خودسوزی و خودکشی زنان و دختران در کردستان به مرز بی سابقه‌های رسیده است. طبق گزارشهایی در مدت ۹ ماه گذشته حدود ۵۰۰ نفر در سراسر شهرهای کردستان اقدام به خودکشی و خودسوزی کرده‌اند که اکثر آنها زنانی در سنین ۱۴ تا ۳۵ سال هستند. این زنان که ۵۰ درصد آنها متأهل اند اغلب بی سواد یا کم سوادند. علت اصلی این خودکشیها، فقر و تنگدستی، ازدواجهای اجباری، نداشتن حق حضانت فرزند، خشونت و کتک کاریهای پدران، برادران و همسران و حتی نوع پوشش است.

## دستگیری الهام افروتن خبرنگار هفته نامه تمدن هرمزگان :

الهام افروتن در اوایل بهمن ماه همراه ۵ نفر از همکارانش، به دنبال چاپ طنزی در هفتهنامه تمدن هرمزگان دستگیر و زندانی شد بنا به گزارش سایت زنان خبر خودکشی و به اغما رفتن این خبرنگار جوان، روزنامه نگاران و خبرنگاران را متاثر کرده است.

## بیانیه جمعی از فعالان زن :

در بهمن و اسفند چهار بیانیه مهم از طرف تشکلهای زنان صادر شد :

- ۱- حمایت از زنان و کودکان رانندگان شرکت واحدتهران و حومه
- ۲- اعتراض به کاهش ساعات کار زنان
- ۳- درخواست آزادی ژیل کارول روزنامه نگار
- ۴- درخواست آزادی و حمایت از الهام افروتن

جمعی از فعالان زن با صدور بیانیه‌های با اعلام همدردی نسبت به دستگیری و گروگان گیری زنان و کودکان رانندگان و کارگران شرکت واحد تهران و حومه، و همراه با همبستگی اتحادیه‌های کارگری در روز ۱۵ فوریه بیانیه‌های صادر کرده و در اعتراض به دستگیری و گروگان گیری آنها، خواهان آزادی و اشتغال مجدد رانندگان شدند. تا پیش از این شاهد مشکلات پیش آمده برای خانوادگی آنها نباشند.

همچنین فعالان زن در پی بخشنامه‌های کاهش ساعت کار زنان که به علت رسیدگی زنان به کارخانه و خانواده شان صادر شده بود اعتراض خود را با صدور بیانیه‌های اعلام داشتند، و این همدردی به ظاهر انسان دوستانه برای زنان را، به عنوان حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی دانسته و حل پارادوکس حضور اجتماعی و اقتصادی زنان و مسئولیتهای خانوادگی آنها را با حذف صورت مسئله قابل حل نمی دانند.

ژیل کارول روزنامه نگار جوان و مستقل امریکایی که از سوی نشریه‌ی « کریستانس سانس مونیتور» برای تهیه خبر در عراق بود از ۷ ژانویه دزدیده و در محل نامعلومی زندانی است. جمعی از روزنامه‌نگاران ایرانی به ویژه زنان روزنامه نگار در حمایت از حفظ جان این زن روزنامه‌نگار بیانیه‌های صادر کردند.

## اعتراض زنان شهرک «جعفریه»:

روز سه‌شنبه ۱۸ بهمن ماه صدها نفر از زنان ساکن شهرک «جعفریه» واقع در ۵ کیلومتری غرب

شهرستان شهریار، به علت کمبود امکانات رفاهی، عدم گاز رسانی و قطع مکرر برق، جاده‌ی شهریار، اشتهارد را مسدود کردند. به دنبال این اعتراض نیروهای انتظامی در محل حاضر شده و وعده دادند که طی چند روز آینده به مشکلات رسیدگی کنند. جمعیت این شهرک حدود ۱۵ هزار نفر است.

### مراسم سالگرد مرگ فروغ فرخزاد:

روز ۲۴ بهمن: سالگرد مرگ فروغ فرخزاد با شرکت دوستانه‌اش در مزارش با شعرخوانی ناهید کبیری، علی شاه مولوی درویش و سخنرانی آقای عمران صلاحی برگزار شد. در این مراسم که بدون اعلام قبلی صورت گرفت اکثر طرفداران فروغ حضور داشتند.

### «بتی فریدن» درگذشت:

«بتی فریدن» فیلسوف فمینیست مدرن، که آثارش در دهه‌های ۶۰-۷۰ جزء آثار پرفروش و بحث‌انگیز بود در سن ۸۵ سالگی در روز تولدش درگذشت. او در سال ۱۹۶۶ سازمان بین‌المللی زنان را که درباره مسائل سقط جنین و برابری حقوق زنان فعالیت داشت، تاسیس کرد. او معتقد بود که برای یک زن، همه چیز، داشتن فرزند و همسر نیست، بلکه او باید در کنار اینها، به هویتی مستقل از هویت مردانه اندیشه کند. یادش گرامی باد.

### زنان در سال ۲۰۰۵:

انتخاب زنان در پستهای رئیس‌جمهوری و موفقیت‌های سیاسی آنها در سال ۲۰۰۵، را میتوان نوعی تغییر نگرش در جامعه مردسالار دانست.

۱. انتخاب اولین زن رئیس‌جمهور در شیلی (میشل باشلت)
۲. انتخاب اولین رئیس‌جمهور زن در لیبریای آفریقا (آلن جانسون سرلیف)
۳. بدست آوردن امتیاز حق رای و شرکت در انتخابات، کسب دوکرسی در هیات مدیره اتاق بازرگانی در شهر جده (برای زنان در عربستان)
۴. شرکت زنان در انتخابات و انتخاب آنها به سمت نمایندگی در پارلمان و کابینه‌های عراق و افغانستان (۶۸ زن در افغانستان وارد مجلس شدند) و حق مالکیت بر دارایی و اموال (برای زنان عراقی)
۵. انتخاب اولین صدراعظم زن در آلمان (آنگلا مرکل)
۶. تصویب قانون انتخاب امپراتوری زن و وارث تاج و تخت شدن فرزند دختر در ژاپن
۷. انتخاب دو زن به عنوان وزیر کابینه ی دولت جدید برای اولین بار در یمن
۸. خانم ناهید پرسون ساکن سوئد با تهیه ی فیلم « تنفروشی زیر چادر» که به موضوع فحشا و دختران خیابانی در ایران میپردازد، برنده ی فستیوال فیلم زنان در فرانسه شد.

### تظاهرات زنان زیمبابوه علیه گرانی:

زنان شهرهای «هراره» پایتخت زیمبابوه و «بولواویو» دومین شهر بزرگ زیمبابوه به علت بالا بودن نرخ تورم و گرانی قیمت اجناس و ضایع شدن حقوق مدنی خود تظاهرات گسترده‌ای بر پا داشتند. این تظاهرات که توسط یک تشکل ویژه ی زنان و بدون مجوز از مقامات برپا شده بود با دستگیری ۶۰ نفر در شهر هراره و ۱۰۰

نفر در بولاویو بوسیله ی پلیس پایان یافت. نرخ تورم در زیمبابوه به ۶۱۳ درصد رسیده و بالاترین نرخ تورم در جهان است. رشد اقتصادی زیمبابوه نیز در مدت ۶ سال اخیر به شدت کاهش یافته است که همه ی این عوامل فشار شدیدی را به زنان تحمیل میکند.

### تصویب قانون پرداخت حقوق مساوی برای کار یکسان در فرانسه:

یکی از عمده ترین مشکلات زنان، تفاوت دستمزد در مقابل کار یکسان و مسئولیت نگه داری از کودکان است که این مسئله باعث شده تا زنان فرانسوی به دنبال مبارزات خود برای رفع این تبعیض، قانونی را در مجلس سنای فرانسه به تصویب رسانند. براساس این قانون تا سال ۲۰۱۰ این اختلاف درآمد از بین خواهد رفت. هر چند که یکی از زنان عضو حزب سوسیالیست فرانسه تصویب قانون را بدون تضمین اجرایی آن خیلی به نفع زنان نمی داند. (تفاوت درآمد حقوق زن و مرد در قبال کار یکسان در فرانسه حدود بیست درصد است).

### حمل پرچم المپیک زمستانی ۲۰۰۶:

۸ زن پرچم المپیک زمستانی ۲۰۰۶ تورنتو را حمل کردند این ۸ زن از زنان موفق، چون « سوزان ساراندون» هنرپیشه و برنده ی جایزه اسکار - « سوفیالورن» هنرپیشه مشهور ایتالیایی - «وانکاری ماتهای» فعال محیط زیست کنیایی و برنده ی جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۴ - « سمالی مام» فعال حقوق بشر و حقوق زنان کامبوج - « ایزابل آلنده» نویسنده مشهور و موفق شیلیایی - « ماریا موتولا» دونده دو هشتصد متر المپیک ۲۰۰۰ و تنها دارنده ی مدال طلای المپیک در موزامبیک - «نوال ال متوکل» قهرمان مراکشی و دارنده ی مدال طلا و دونده دو چهارصد متر با مانع، المپیک سال ۱۹۸۴ - « مانوئل دی چنتا» عضو کمیته بین المللی المپیک ایتالیا، بودند. با وجود اینکه بیش از ۳۰ درصد ورزشکاران شرکت کننده در این المپیک زن هستند و زنان ایرانی در ورزشهای زمستانی به خصوص ورزش اسکی فعال اند متأسفانه در تیم المپیک زمستانی، هیچ شرکت کننده‌ای از زنان ایرانی حضور ندارد.

### حقوق و قوانین

ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی: مرد میتواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد.

(بدینگونه دیده میشود پروندههایی که مرد به دلیل چاقی، بد بودن دست پخت، نداشتن مهریه و... همسر خود را طلاق میدهد.)

ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

(مادهی مذکور با تفویض مسند ریاست به شوهر اصل تساوی زوجین را نادیده گرفته است)

ماده ۱۱۱۸ قانون خانواده: مرد میتواند زن را از حرفه و کاری که بر خلاف مصالح خانواده و مرد باشد بازدارد.

(الف- قانون بدون اعتنا به شعور انسانی زن تشخیص این مصلحت را بر عهدهی مرد گذاشته است.

ب- قوانین ما در مورد اشتغال زنانی که دارای همسرانی بزهکار، معتاد و لاپبالی هستند هیچ وضعیتی را پیشبینی نکرده و این مردان میتوانند مانع کار و اشتغال زنان خود شوند.)

ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی: دیهی قتل زن مسلمان خواه عمدی، خواه غیر عمدی نصف دیهی مرد است.

(همواره این قانون را با این عبارت که مرد وزنه‌ی اقتصادی خانواده است توجیه میکنند در حالی که هیچ وضعیتی برای زنان سرپرست خانواده و یا به طور کل زنان شاغل پیش بینی نشده است.)

ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی: زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید.

(خواست و اراده‌ی زن از نظر قانون هیچ گونه اهمیتی ندارد.)

زن تنها در برخی امور قضایی حق شهادت دارد اما شهادت دو زن معادل یک مرد است و این قانون شامل تمام موارد شهادت است. حتی مواردی که موضوع خاص زنان است. در این میان مواردی هم هست که اگر زنی اقدام به شهادت کند مجازات خواهد شد مثل جرم زنا. (قانون ۷۶ مجازات اسلامی)

### از کنوانسیون چه میدانیم؟

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ تصویب و از سوم سپتامبر ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا و در حال حاضر ۱۷۰ کشور عضو آن است.

در این کنوانسیون، تبعیض علیه زنان چنین تعریف شده است:

هسته اصلی کنوانسیون ماده‌ی دو «۲» آن است. در این ماده روح و هدف کنوانسیون به‌طور کلی آورده شده و بقیه مواد کنوانسیون در واقع جزئی کردن همین ماده و توضیح آن است.

دول عضو، هرگونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت میکنند که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال کنند. و با این هدف موارد زیر را متعهد میشوند:

۱- گنجاندن اصل مساوات و برابری میان زنان و مردان در قانون اساسی و یا سایر قوانین مربوطه هر کشور، چنانچه تاکنون منظور نشده باشد و تضمین تحقق عملی این اصل به‌وسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر.

۲- تصویب قوانین مناسب یا اقدامات دیگر از جمله مجازات در صورت اقتضاء، به منظور رفع تبعیض از زنان.

۳- برقراری حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی.

۴- خودداری از انجام هرگونه عملی و حرکت تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتی.

۵- اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخصی، سازمان و یا شرکتهای خصوصی.

۶- اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین، مقررات، عرف یا روشهای موجود که نسبت به زنان تبعیض‌آمیزند.

۷ - فسخ مقررات کیفری ملی که موجب تبعیض نسبت به زنان میشود.

### زنان و کارخانگی

کارخانگی از دیرباز فعالیتی بود که زنان بر عهده داشتند. البته در جوامع سنتی و عصر ماقبل صنعتی شدن، از آنجایی که هنوز مرز بین کارخانگی و کار بیرون از خانه مشخص نبود و زنان به همراه مردان در مزرعه

نیز به فعالیت میپردازند، این تقسیم کار بدین شدت خود را نشان نمی داد. در واقع میتوان گفت که با آغاز دوره صنعتی شدن، «کارخانگی» به وظیفه اصلی زنان بدل شد و مردان به «نان آور» خانواده بدل شدند. علت اصلی پیدایش تقسیم کار جنسیتی و انجام کارخانگی توسط زنان این است که نظام سرمایه داری از کار رایگان زنان بهره مند میشود. کارخانگی نه تنها ناشی از مناسبات تولید است، بلکه در حفظ معیارهایی که تداوم زندگی خانواده را امکان پذیر میکند، نقش دارد.

انجام کارهای خانه، مراقبت و پرورش فرزندان و شوهرداری، مجموعه فعالیتهایی است که تحت نام «کارخانگی» طبقه بندی میشوند. خانه داری عبارت است از مجموعه کارهایی که زن در داخل منزل انجام میدهد. در کارخانگی چنانچه معلوم است نه مزدی در کار است، نه اتحادیهایی و نه اعتصابی. مرزی وجود ندارد که به روشنی محدوده کار را از محدوده فراغت مشخص کند. در کارخانگی کسی برای ورود و خروج کارت «ساعت نمی زند». دستگاہی یا ترتیبیاتی وجود ندارد که مدت حضور فرد در سر کار و حرکات و فعالتهای او را بررسی کند. کار در منزل تمامی وقت زن خانه دار را در بر میگیرد. فضای آن، تمامی فضای عمر یک زن است. «زن، سر کار نمی رود، بلکه بیدار میشود که در خانه کار کند. خانه همان کار است و کار همان خانه. در چار دیواری خانه و ظرف مدت روز وظایفی وجود دارند که باید به انجام برسند. این وظایف مرزهای کار یک زن را در خانه تشکیل میدهند. هر عملی به اجزای کوچکتر تقسیم میشود. هریک از این اجزاء بکلی متمایز و جداگانه است. فعالیتها و وظایفی که هر روز باید اجرا شوند، هر روز دقیقاً طبق برنامه و این کارها مجدداً و مجدداً تکرار میشوند. یکنواختی و بی پایانی کارخانگی، خصیصههاییست که سختی و مشقت زیادی را بر زنان تحمیل میکند.

با پیشرفت جوامع و گسترش دستاوردهای مدرن بشری، نه تنها از وظایف زنان کاسته نشد، بلکه اشتغال «مزدی» در خارج از خانه نیز به ضرورتی برای تداوم خانواده بدل گشت. زنان میبایست علاوه بر انجام کارهای خانه، برای تامین معاش خانواده در خارج از خانه نیز کار کنند. زنان همواره نیروی کار ارزانی برای کارفرمایان بودهاند. شرکتها و سرمایهداران به سوی زنان هجوم آوردند و کارمزدی بر کارخانگی آنها اضافه شد. این بار زنان مورد ستمی مضاعف قرار گرفتند. وضعیتی که تا به امروز در بسیاری از جوامع بشری جریان دارد. هرچند برخی ادعا میکنند با پیشرفت تکنولوژی از سختی کار خانگی کاسته شده است، اما این تنها ترفند و فریبی است برای حفظ نظام مردسالاری. به سادگی مشهود است که استفاده از لوازم جدید منزل، از کارخانگی نکاسته است، بلکه با افزایش ظرافت، پیچیدگی و تنوع کارها، «استانداردهای کارخانگی مطلوب و آرمانی» را بالا برده است. در حقیقت هر گونه تسهیلاتی در انجام کارخانگی، مانند وسایل خانگی پیشرفته تر و بهتر، تنها منجر به نگاه داشتن زنان در وضعیت موجود، یعنی «زن خانه دار» است.

تحقیقات نشان داده است که زن آمریکایی امروزه، به رغم وجود دستگاههای مدرنی که باعث تسهیل در کارخانگی شده است، بیشتر از مادر بزرگ خود کار میکند.

### خشونت

هر گونه عمل آزار دهنده مبتنی بر جنسیت که لزوماً یا محتملاً منجر به آسیب یا رنج جسمانی، جنسی جسمانی، جنسی یا روانی شود خشونت نامیده میشود.

خشونتهای جسمانی: هر نوع ضرب و جرح و زد و خورد فیزیکی، شکنجه و قتل را شامل میشود. بهای این نوع خشونت عبارتند از: اعضای شکسته، زخمها، پاره گیها، بریده گیها، کبودی، جراحات داخلی، ضربه مغزی، سقط جنین و مرگ در اثر آسیبهای جسمانی.

در ایران، آمار زنان قربانی که از شوهرانشان کتک خوردهاند بسیار کمتر از آن هست که به طور واقع دیده میشود. فرهنگ، مسائل روانی و عوامل شخصیتی از جمله مواردی هستند که در گسترش پدیدهی فوق مؤثر هستند. طبق آمار ارائه شده (در همایش نفی خشونت علیه زنان) از بین زنانی که به پزشکی قانونی مراجعه

میکنند، اکثراً بین ۳۰ تا ۴۰ سال سن دارند و ۹۸ درصد آنها بارها به دلیل اعمال خشونت علیه خانواده‌هایشان به پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند.

خشونت‌های جنسی: متداول‌ترین و مهم‌ترین نوع خشونت علیه زنان به شمار می‌رود و اثرات آن بسیار گسترده‌تر از انواع دیگر است. زنان در این نوع خشونت قربانیانی بیدفاع‌اند، چراکه گاهی این مساله برای همیشه محرمانه باقی می‌ماند. از بین رفتن اعتماد به نفس، گوشه‌گیری از اجتماع و ایجاد روح بدبینی در زن بهای هنگفتی است که از بابت این آزارها می‌پردازد.

خشونت جنسی به هر گونه رفتار غیر اجتماعی اطلاق می‌شود که از لمس کردن تا تجاوز کردن را در بر می‌گیرد. این نوع خشونت ممکن است در محیط زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی اتفاق بیفتد. زنانی که مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرند دچار صدمات روانی، عصبی و عاطفی می‌شوند که بر کل رفتارهای آنها تأثیر می‌گذارد.

خشونت روانی: بر اساس تحقیقات انجام شده، بیش از نیمی از زنان کشور همواره در اضطراب به سر می‌برند که ۵۰ درصد آنها مبتلا به سر دردهای عصبی و میگرن هستند. هم‌چنین سوء رفتار در یک سوم زنان باعث شده است تا آنها بدون هیچ علاقه‌ای به زندگی مشترک خود ادامه دهند.

نگاه به زن به عنوان جنس دوم و به طور کلی هر رفتار خشونت آمیزی که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار کند (انتقاد ناروا، توهین، تحقیر، بد دهانی، تمسخر، فحاشی متک، تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد) محدودیت آزادیهای مشروع این قشر در خانواده، ندادن حق تصمیم‌گیری به آنها و... از جمله مصداق‌های خشونت روانی است. پناه بردن به داروهای روان‌گردان، الکل و مواد مخدر و فرار و خودکشی از دیگر پیامدهای خشونت روانی است. اکنون ۷۲ درصد از زنان و دخترانی که به خاطر خشونت‌های روانی مجبور به ترک خانه می‌شوند بین ۱۶ تا ۲۵ سال سن دارند و میزان فرار دختران و زنان از منزل سالانه ۲۳ تا ۲۶ درصد افزایش دارد.

خشونت علیه زنان و دختران در ایران رو به افزایش است. گسترش پدیده‌ی خشونت علیه زنان و دختران، با توجه به جمعیت بالای این قشر، عواقب سوء و پیامدهای منفی در جامعه دارد.

## زن در رسانه

در جامعه‌ی امروز ایران حضور زن در رسانه، چه تصویری و چه خبری، قابل بحث و بررسی است.

واقعیت این است که ارائه‌ی غیر مستقیم نقش‌های معین برای زن و مرد از طریق صدا و سیما با استفاده از اتصال این الگوها به ارزش‌های سنتی و فرهنگ عامه، مکانیسم‌های جدید القای ایدئولوژیک است که به صورت غیر مستقیم و با ژستی مدرن، سنت پوسیده را می‌آراید. ارائه‌ی الگوهای « مادر مهربان و فداکار»، «خواهر دلسوز» و «همسر مطیع» به عنوان ایده‌ال از طریق هم تراز کردن آنها با ارزش‌های مذهبی و الگوهای سنتی، رایج‌ترین تکنیک این رسانه قلمداد می‌شود. آدمک‌سازی از «زن نمونه» با ارائه‌ی تصویرهای کاملاً مردسالار جزء لاینفک برنامه‌های صدا و سیما است و ترویج نمادهای مردسالارانه‌ای که هر روز و هر ساعت از طریق امواج تلویزیونی به تک تک افراد جامعه تزریق می‌شود.

گذشته از معضلات رسانه‌های تصویری، زنان در رسانه‌های خبری هم با مشکلات بسیاری دست به گریبان هستند. هر چند که تعطیلی مکرر روزنامه‌ها باعث ریزش بخش قابل توجهی از زنانی شد که وارد عرصه‌ی مطبوعات شده بودند، با این حال هنوز شاهد حضور فعال زنان در این زمینه هستیم، اما با کمال تأسف، فضای کاری برای آنان بسیار محدود و غیر قابل پیشرفت است، چنان‌که به نقل از یکی از روزنامه نگاران زن، برای زنان روزنامه نگار تنها در سیستم مدیریت روزنامه تا دبیری بخش جای رشد وجود دارد و جز چند نشریه که

مربوط به مسائل زنان است و مدیر مسئول و سردبیر آن زن هستند (البته فقط ماهنامه). هیچ روزنامه‌های در ایران سردبیر زن ندارد! هم چنین خبرنگاران زن به خاطر جنسیتشان، برای تهیهی خبر به بسیاری از جاها فرستاده نمی‌شوند و جلوی پیشرفت حرفه‌ای شان گرفته می‌شود. از دیگر مشکلات خبرنگاران زن نگاه جنسیتی ایست که به ایشان میشود، چنان که بخش عمده‌ای از مشکلات خبرنگار زن اخراجی از مجلس هفتم به خاطر جنسیتش بود، پر واضح است اگر وی در جایگاه یک مرد قرار داشت، جسارت ژورنالیستی اش «بی نزاکتی» تلقی نمی‌شد.

گذشته از مشکلات مربوط به مسائل کاری زنان در رسانه‌های خبری، نکته‌ی مهم دیگر، تعداد قلیل نشریات تخصصی زنان و بی توجهی آشکار مسئولین به این امر است. با توجه به این که زنان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل میدهند، انتظار می‌رود که توجه به مسائل حل‌ناشده‌ی زنان به طور جدی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در سالهای اخیر شاهد رشد وبلاگها و نشریات الکترونیکی مربوط به زنان در فضای مجازی و افزایش چاپ و نشر کتابها و جزوات آگاهی دهنده در رابطه با زنان بودهایم. با وجود ای، انعکاس فعالیت‌های زنان در رسانه‌های دولتی بسیار کم‌رنگ بوده است و

بی توجهی دولت و بعضا کارشنک‌های مسئولین (مانند فیلترگذاری‌های اینترنتی و سیستم ممیزی کتابها و نشریات قابل تأمل و بررسی است).

هر چند که هر روزه محدودیتها و نابرابری‌های جنسیتی در عرصه‌ی رسانه‌ها بیشتر میشود، اما حضور روزافزون زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نشان دهنده‌ی افزایش سطح آگاهی و خواسته‌های به حق زنان امروز جامعه‌ی ایران است.

## زنان، بهداشت و سلامت

در کنفرانس ۱۹۷۸ آما آتا وزرای ۱۳۴ کشور جهان به همراه سازمان بهداشت جهانی و یونسف بیانیه‌ی بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰ را صادر کردند و بهترین وسیله‌ی دستیابی به آن را مراقبت اولیه‌ی بهداشتی دانستند.

متأسفانه مفاد این بیانیه به واقعیت نپیوست و بهداشت مردم کشورهای جهان سوم در بسیاری از زمینها وخیمتر شد. در حال حاضر وضع بهداشت به دلیل نابرابری‌های اقتصادی با بحران مواجه است و سلامت مردم را هر روز خطرات تازه‌ای تهدید میکند که در این میان زنان سهم بیشتری را متحمل میشوند

– بیماری ایدز در میان زنان به شکل خطرناکی رو به گسترش است که یکی از بزرگترین دلایل آن آگاه نبودن زنان و مردان به اصول اولیه بهداشت است. مثلاً یکی از راههای پیشگیری استفاده از وسایل پوششی هنگام رابطه‌ی جنسی است. این خود ناشی از نبود یا کمبود مراکز بهداشتی در ارتباط با ایدز و عدم اطلاع‌رسانی صحیح رسانه‌هاست که نقش بسیار ارزنده‌ای میتواند در زمینه‌ی آموزش و آگاهی و آسیب‌هایی که ناشی از ایدز است داشته باشد.

– سقط جنین که جان بسیاری از زنان را خواسته یا ناخواسته مجبور به انجام آن میشوند، به طور جدی تهدید میکند. در ایران در سه سال گذشته ۸۵ مرکز خصوصی و غیر قانونی سقط‌جنین شناسایی شده‌اند که تنها در یکی از مراکز، ۷۰ مورد سقط‌جنین انجام شده است و بسیاری از مراجعین به دلیل عدم رعایت اصول بهداشتی دچار عفونت شده و درگذشته‌اند. طبق آمار غیررسمی از هر ۱۰ مورد سقط‌جنین یک مورد مرگ گزارش شده است که اکثراً دختران زیر ۱۶ سال بوده‌اند.

– بارداری و زایمان: بر اساس آخرین بررسی‌های وزارت بهداشت و درمان، تاخیر در انتقال زائو به

مراکز بهداشتی، دوری راه، نبود وسیله نقلیه در روستاها سوء تغذیه و نبود آگاهی و بیتوجهی خانوادهها بیشترین تاثیر را در مرگ و میر مادران باردار داشته است. این عوامل مبین آن است که جامعه نتوانسته شرایط لازم برای مراقبتهای بهداشتی، فرهنگی و اقتصادی را که زن باردار نیازمند آن است به طور مطلوب فراهم کند. ارتقای سطح سواد، توانمندسازی جامعه و حمایت مسئولان بهداشتی از زنان باردار میتواند از میزان مرگ و میر و معلولیت‌های ناشی از زایمانهای سخت و نادرست بکاهد.

- از دیگر بیماریهایی که زنان بیشتر به آن مبتلا میشوند بیماری سل است. در استان خراسان ۱۰ هزار بیمار مبتلا به سل وجود دارد که ۶۰ درصد آن را زنان ۴۰ تا ۵۰ ساله تشکیل میدهند که عمدتاً حاشیه‌نشین هستند.

- تغذیه مناسب و سالم سهم بسزایی در کاهش آمار سرطانهای سینه، رحم و... بیماریهای قلب و عروق و چاقی مفرط، پوکی استخوان، کمبود آهن و... دارد مصرف سبزیجات، میوه‌ها و پروتئین برای زنان الزامی است. اما فقر اقتصادی و عدم تامین معیشت روزانه خانواده و در دسترس نبودن امکانات بهداشتی ارزش قیمت و رایگان باعث شده است تا زنان و کودکان در خطر باشند.

- عدم امنیت اجتماعی از دیگر خطرات جدی برای سلامت زنان محسوب میشود. در صورت پیدا نشدن راهکار مناسب و قانونی برای جلوگیری از این آسیبها، ما هر روز بیش از پیش شاهد حوادث مصیبتبار، آزارهای جنسی و جسمی و روانی و... خواهیم بود.

### خواستهای کنونی زنان

۱۷ اسفند ۱۳۸۴ - (۸ مارس ۲۰۰۶)

- پیوستن به کنوانسیون بین المللی رفع انواع تبعیض علیه زنان و پیمان منع شکنجه و پذیرش و اجرای بی قید و شرط مفاد آن.
- رفع تبعیض از حقوق زنان در کلیهی قوانین موضوعه از جمله در قوانین کار، بیمه، ارث و نیز برقراری مستمری پس از فوت زنان شاغل برای فرزندان آنها و تعمیم حق عائلهمندی به زنان شاغل، منع تعدد زوجات و اصلاح قوانین ازدواج و طلاق.
- اصلاح قوانین و مقررات مربوط به حقوق زنان (مادههای ۱۱۳۳، ۱۱۰۵، ۱۱۱۸، ۳۰۰، ۱۱۱۴) از جمله: حق ادای شهادت، حق طلاق، رفع تبعیض در ارث، حق حضانت فرزند، حق دریافت گذرنامه و خروج از کشور بدون قید و شرط، انتخاب پوشش، حق سکونت مستقل و....
- برابری زنان و مردان در برخورداری از تمام حقوق اجتماعی و مدنی (صرف نظر از قومیت، مذهب، عقیده و طبقه).
- برخورداری زنان از دستمزد و مزایای برابر با مردان در قبال کار یکسان.
- برخورداری از حقوق و امتیازهای برابر در آموزش و اشتغال (واگذاری مشاغل و پستهای مدیریتی به زنان).
- لغو قراردادهای استخدام موقت (پیمانکاری)، که بیشترین قربانیان آن زنان هستند.
- بیمه کردن زنان خانه دار و سرپرست خانوار.
- رفع تبعیض جنسیتی در ساختار قدرت و تصمیم گیری.
- اصلاح قوانین مربوط به حقوق والدین نسبت به فرزندان به ویژه مقررات مربوط به قتل فرزند توسط پدر.

- زدودن فرهنگ مرد سالارانه از گفتار و نوشتار در تمامی عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی به ویژه آموزشی .
- اجرای کامل مفاد کنوانسیون حقوق کودک و حمایت از حقوق کودکان و تشدید برخورد قانونی با کودک آزاری.

-----

لاف ز برتری کم زن:

سنگ برابرت هستیم

تیر به ما چه میباری؟!

نیمه ی دیگرت هستیم

خالق این جهان ما را

واسطه کرد در خلقت؛

حرمت ما نگه میدار

خالق و مادرت هستیم

عزت و امن و آسایش

جمله ز لطف ما داری؛

از دل خود اگر پرسی

همدل و همسرت هستیم.

حق طلبان همراهیم

زنده و شاد و برپاییم -

گام بزنی بیا با ما!

ما، همه، یاورت هستیم.

حق حیات کاملتر

- گرچه به کام شیر اندر -

مطلب ماست باور کن!

طالب باورت هستیم.

نظم جهان فردا را

همت و همدلی باید:

دست به دست ما بسپر؛

یار دلاورت هستیم.

تیر ۸۴ - سیمین بهبهانی